نقش محمدعلی فروغی در تدوین قانون مدنی ایران

چکیده

یکی از مؤثرترین قوانین در نظام قانون‌گذاری ایران، قانون مدنی است که نقش بسزایی در ساماندهی حیات فردی و اجتماعی ایرانیان در یک قرن اخیر داشته است. فارغ از غنای علمی و تجربی آن که مستظهر به سنت فقهی – حقوقی هزارساله این سرزمین است. به نظر می‌رسد، نحوه نگارش و ادبیات آن نیز در تداوم فهم و استفاده مستمر از آن مؤثر بوده است. ازاین‌رو بررسی نقش برخی شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی تاریخ معاصر که نقش مؤثری در تأسیس نهادهای حقوقی و احیای گنجینه‌های فرهنگی – ادبی ایران داشته‌اند در نگارش و تصویب این قانون که یکی از صفحات درخشان تاریخ معاصر ایران است ضرورت می‌یابد. نام محمدعلی فروغی در بین اعضای هیئت تدوین قانون مدنی به چشم نمی‌خورد و کمتر پژوهشگری تاکنون به نقش او در این زمینه توجه کرده است. حال آن که قرائن و امارات متعددی حاکی از نقش این وزیر دانشمند در تدوین مهم‌ترین و زنده‌ترین سند حقوق خصوصی ایران وجود دارد. علاوه بر اشارات آشکار و نهانی که در سخنان خود او به این موضوع دیده می‌شود و یا نقشی که دیگران برای وی بیان کرده‌اند، اثر پررنگ او در پیرنگ رویدادهای سازنده آن دوران، حاکی از نقش مؤثرش در تهیه و تصویب قانون مدنی است. فروغی علاوه بر نقشی که به‌طورکلی در تأسیس ادبیات حقوقی و تدوین قوانین پس از مشروطه داشت، در همان راستا کوشید تا از همان آغاز مسئولیتش در مجلس و عدلیه و در خفا و علن به تدوین قانون مدنی ایران مدد رساند و با تغییر نظام سیاسی قاجار زمینه لغو کاپیتولاسیون و تنقیح و تصویب قانون مدنی را فراهم کند.

واژگان کلیدی: قانون مدنی، تاریخچه، فروغی، کاپیتولاسیون، مشروطیت

Abstract

The Civil Code stands as one of the most significant pieces of legislation within Iran's legal system, having played a pivotal role in shaping the individual and social lives of Iranians over the past century. Beyond its scholarly and empirical richness—grounded in the nation's thousand-year-old jurisprudential and legal tradition—the very style and language in which it is written have been instrumental in ensuring its enduring relevance and continued application. Consequently, it is essential to examine the contributions of key political and cultural figures from Iran's contemporary history—individuals who were instrumental in establishing legal institutions and reviving the nation's cultural and literary heritage—to the drafting and enactment of this Code, which represents a shining chapter in Iran's modern history. Although the name of Mohammad Ali Foroughi does not appear among the official members of the Civil Code drafting committee—and few researchers have hitherto acknowledged his involvement—there is substantial evidence suggesting that this learned minister played a significant role in the formulation of what remains the most vital and enduring document of Iranian private law. This is supported not only by explicit and implicit references found in his own statements and the accounts of others, but also by his profound influence on the unfolding of the formative events of that era. Beyond his broader contributions to the establishment of a legal lexicon and the drafting of legislation in the post-Constitutional period, Foroughi—from the outset of his tenure in the Parliament and the Ministry of Justice—worked both behind the scenes and in the public sphere to facilitate the creation of Iran's Civil Code. Furthermore, following the transition

پذیرفته‌شده در انتظار انتشار | نسخه اولیه ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

away from the Qajar political order, he helped pave the way for the abolition of the capitulation system, as well as the systematic revision and eventual enactment of the Civil Code.
Keywords: Civil Code, history, Foroughi, capitulation, constitutionalism

مقدمه

پایایی و پویایی قانون مدنی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مشروطیت همواره مورد تمجید و تفاخر قرار گرفته است. اما به علل این تداوم و توفیق چندان پرداخته نشده و ازاین‌رو جهات کامیابی این تجربه ملی کمتر در نظام قانون‌گذاری ایران تکرار شده است. تدوین‌کنندگان این قانون با برخورداری از دانش فقهی و حقوقی لازم و به پشتوانه آشنایی عمیق با فرهنگ و ادب ایران و درک روشنی که از مقتضیات زمانه داشتند، توانستند، متن و محتوی قانون مدنی را با الهام از سنت حقوقی ریشه‌دار و مورد اعتقاد اکثریت مردم ایران و بر اساس اصول و قواعد حقوق مدرن تدوین و تفسیر کنند. این قابلیت ستودنی در تبویب قانون مدنی موجب شده تا نقش شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی مؤثر در تدوین آن نیز در مطالعات پژوهشگران تاریخ حقوق از نظر دور نماند؛ ناصر سلطانی در بررسی این موضوع به نقش سید محمد فاطمی قمی در تهیه و تصویب پیش‌نویس متن قانون مدنی و انسجام و پیوستگی روش آن پرداخته است و رضا یعقوبی نیز در مقاله‌ای با عنوان نقش محمد مصدق در تدوین قانون مدنی، تأکید مصدق به پیروی از سنت فقهی در تدوین قانون مدنی را آن‌سان که حمید بهرامی احمدی در مقاله خود درباره تاریخچه قانون مدنی بدان پرداخته است مورد مناقشه قرار داده است. حسن زندیه نیز در مقالاتی که به نقش علمای شیعی و دولت پهلوی در تدوین قانون مدنی داشته نقش سید محمد فاطمی قمی را برجسته دیده است و احمدرضا نائینی در سلسله مقالات خود در مجله نامه بهارستان کوشیده با بررسی اسناد تاریخ تدوین قانون مدنی را از زوایای مختلفی بکاود. کتاب مجموعه مقالات یادنامه سیدمحمد فاطمی قمی به کوشش ناصر سلطانی و رحیم پیلوار نیز منبع موثری از مقالات گوناگون در تاریخ و تحلیل قانون مدنی است. در این پژوهش‌ها کم بیش به نقش محمدعلی فروغی در تقدیر شاهانه از زحمات فاطمی قمی به سبب تدوین پیش‌نویس قانون مدنی اشاره شده اما جهات دیگر تأثیرگذاری این رجل سیاسی در تدوین و تصویب قانون مدنی مغفول مانده است که این مقاله می‌کوشد به پشتوانه اسناد و مدارک و شواهد و قرائن موجود، بدان بپردازد. ازاین‌رو، نخست نقش فروغی جوان در تأسیس ادبیات حقوقی و قانون‌گذاری ایران بررسی می‌کنیم که از معلمی مدرسه علوم سیاسی و تدوین اولین کتب آموزشی در زمینه حقوق اساسی تا تأسیس فرهنگستان و واژه‌گزینی حقوقی در پیرانه سالی، او را همواره مؤسس و مصحح ادبیات حقوقی قرار داده است. سپس جهد عملی و نظری او در تصویب قوانین ماهوی در مقام نمایندهٔ مجلس و وزیر دولت که در سخنرانی معروف وی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تبلور یافته و کوششی که در راه الغای کاپیتولاسیون در نظام حقوقی کشور با تدوین قانون به کار برده موردمطالعه قرار می‌گیرد و سرانجام قدرشناسی مدبرانه‌ای که از نویسنده اصلی پیش‌نویس قانون مدنی به عمل آورده است، مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۱) تأسیس دانش و ادبیات حقوقی

مدرسهٔ علوم سیاسی از اولین مدارس عالی ایران بود که در سال ۱۲۷۸ توسط مشیرالدوله در وزارت خارجه تأسیس شد و در سال ۱۳۰۶ به اهتمام محمدعلی فروغی در مدرسه حقوق وزارت عدلیه ادغام و در زیرمجموعه وزارت معارف قرار گرفت و سپس

زمینه تأسیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران گردید. ریاست این مدرسه مدتی پس از تأسیس به عهده محمدحسین فروغی (ذکاءالملک اول) بود و پس از درگذشت او به پسرش محمدعلی فروغی (ذکاءالملک دوم) رسید. فروغی جوان با آگاهی که به اهمیت حقوق مدرن داشت می‌کوشید دروس حقوقی را وارد برنامه درسی مدرسه کند و حتی آن را به مدرسه حقوق تبدیل سازد. او در سخنرانی معروفی که در سال ۱۳۱۵ در دانشکده حقوق درباره چگونگی تأسیس دانش جدید حقوق و پیشینه آن دانشکده دارد می‌گوید: «از بدو امر که من در کار آموزشگاه دخیل شدم، نقشه و طرحی برای تکمیل آن داشتم، چون آموزشگاه علوم سیاسی را ناقص می‌دانستم و میل داشتم به‌قدری که میسر می‌شود آن را به یک دانشکده حقوق نزدیک کنم» (فروغی، ۱۳۱۵،۷۲۵) این مدرسه خاستگاه آشنایی ایرانیان با بسیاری از مفاهیم بنیادین علم حقوق و سیاست بود. فروغی در این مدرسه به‌غیراز مدیریت و آموزش، کتب درسی لازم برای دانشجویان در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد را ترجمه و تالیف می‌کرد. یکی از آثار مهم او رساله حقوق اساسی است که علاوه بر محصلین، مورداستفاده فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس نیز قرار می‌گرفت. (سلطانی، ۱۳۸۸، ۱٤۰) برخی از محققین در باره رساله حقوق اساسی یا آداب مشروطیت دول فروغی نوشته‌اند: «نخستین متنی است که به زبان فارسی راجع به قانون اساسی به‌صورت دانشگاهی نوشته شده است. بلکه از نظر برابرنهاده‌ها نیز نخستین متن در عرصه علوم حقوقی است. معادل‌سازی‌های فروغی در آن زمان در خور توجه است و کوشش او در فارسی‌سازی زبان حقوق در خور ستایش است» (پهلوان، ۱۳۸۳، ١٦) محمدعلی فروغی نمونه ای شاخص از فرنگ رفتگانی است که انتقال اندیشه حقوق عمومی را از سطح نظری به سطح نهادی ارتقا داد. فروغی با آشنایی عمیق با فلسفه سیاسی و حقوق عمومی فرانسه، به ویژه از طریق مطالعه آثار روسو و مونتسکیو، کوشید. مفاهیمی چون حاکمیت قانون، عقلانیت حقوقی و تفکیک قوا را در قالبی منسجم و قابل فهم برای نخبگان سیاسی ایران بازتفسیر کند. نقش او در تنظیم متون حقوقی، مشارکت در نهادهای دولتی و ترویج زبان حقوقی جدید، نشان می دهد، که انتقال اندیشه حقوق عمومی از مسیر نخبگان کارگزار، اثری پایدارتر از ترجمه های صرف داشت.(خندان، 1405، ۲۲٦ به نقل از عنایت، ۱۳۹۸، ۹۲-۹٦)

در واقع فروغی در آستانه مشروطیت به جهت آشنایی با دانش حقوق و ادبیات در مقام تدوین ادبیات حقوقی نظام جدید برآمد و با تعریف و تأسیس بسیاری از واژگان و مفاهیم حقوقی، موردنیاز این رویداد بزرگ حقوقی کوشید زمینه‌های تدوین قوانین را در مجلس فراهم کند. از این روست که سید جواد طباطبایی معتقد است رساله کوتاه فروغی در حقوق اساسی این مزیت عمده را داشت که معادل‌هایی کمابیش دقیق برای مفاهیم علمی که برای ایرانیان یکسره ناشناخته بود، پیشنهاد می‌کرد. او کوشش فروغی را در آستانه پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی برای پیشبرد حکومت قانون در ایران اساسی دانسته و می‌نویسد: «مشروطیت به‌عنوان نظام مبتنی بر حکومت قانون ناظر بر تحولی در نظام حقوقی بود. با اعلام قانون اساسی مشروطیت و در شرایطی که آشنایی مشروطه‌خواهان با مبانی فلسفه سیاسی مشروطیت بسیار اندک بود با کوشش حقوق‌دانانی که بسیاری از آنان مانند فروغی و پدرش ذکاء الملک، متفنن بودند، کلیاتی از حقوق عمومی جای فلسفه سیاسی مشروطیت را گرفت و همین آشنایی اجمالی با حقوق جدید مبنایی برای تبدیل حقوق شرع به حقوق جدید به دست داد.» (طباطبایی،۱۳۸٦، ۳۰۸) محمدحسین فروغی مؤسس روزنامه «تربیت» بود که بیشتر در جهت آگاهی‌بخشی حقوقی و اندیشه‌های سیاسی جدید فعالیت می‌کرد. محمدعلی فروغی در این باره می‌گوید:

«در سال اول سلطنت مظفرالدین‌شاه، پدر من که دست از طبیعت خود نمی‌توانست بردارد، اولین روزنامه غیردولتی در همین شهر تهران تأسیس کرد، و مندرجات آن را مشتمل بر مطالبی قرار داد که کم‌کم چشم و گوش مردم را به منافع و مصالح خودشان باز کند. آن روزنامه «تربیت» نام داشت، من هم آن وقت به درجه‌ای رسیده بودم که در کار آن روزنامه – مخصوصاً در آنچه می‌بایست از زبان‌های خارجه ترجمه شود – به پدرم دستیاری کنم؛ بنابراین غالباً در باب روزنامه با من گفتگو می‌کرد. یک روز پرسید مقاله‌ای که امروز برای روزنامه نوشته‌ام خواندی؟ عرض کردم، بلی. پرسید دانستی چه تمهید مقدمه‌ای می‌کنم؟ من در جواب تأمل کردم. فرمود مقدمه می‌چینم برای اینکه به یک زبانی حالی کنم که کشور قانون لازم دارد. مقصودم این است که این حرف را صراحه نمی‌توانست بزند و برای گفتن آن لطائف‌الحیل می‌بایست بکار ببرد، همین‌قدر را هم که می‌توانست بگوید به پشت‌گرمی مرحوم امین‌الدوله بود که خود متجدد و قانون‌خواه بود» (فروغی، ۱۳۱۵، ۷۲۵)

در آستانه مشروطیت سال‌های ۱۲۸۵–۱۲۸٤ش، محمدعلی فروغی با نوشتن و ترجمه مقالاتی با عنوان «تحقیق در تاریخ دولت مشروطه و...»، «فواید مجلس شورای ملی»، «سلطنت مشروطه و استبدادیه» و «وظایف مجلس و حدود و حقوق آن» نقش مهمی در تدوین ادبیات حقوقی و آگاهی ملی داشت. (یعقوبی، ۱٤۰۲، ۲۱۲) همین مقالات است که با پیروزی نهضت مشروطیت زمینه انتشار کتاب حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، را فراهم می‌کند. در جای‌جای این رساله، تعابیر و اصطلاحاتی به زبان فرانسه آمده و نویسنده از عهدهٔ معادل‌گذاری قابل‌فهم و درست به‌خوبی برآمده است. این نیست مگر تسلط و شناختی که فروغی به زبان و فرهنگ فرانسه داشت. (صالحی ۱٤۰٤، ٤٦) به نظر می‌رسد وضع واژهٔ «حقوق» گزینش محمدعلی فروغی است. او در مورد این واژه‌گزینی چنین گزارش داده است: «حقوق از اصطلاحاتی است که در زبان ما تازه است و شاید بتوان گفت که تقریباً از همان زمان که مدرسه علوم سیاسی تأسیس شده است این اصطلاح هم رایج گردیده و آن به تقلید و اقتباس از فرانسویان درست شده است، و در همه ممالک اروپا برای این معنی این قسم اصطلاح ندارند. فرانسویان مجموع قوانین و مقررات الزامی را که بر روابط اجتماعی مردم حاکم است، «droit» می‌گویند، و ما چون این کلمه را «حق» ترجمه کرده بودیم، لفظ جمع آن را گرفته برای آن معنی اصطلاح کردیم، مناسبتش هم این است که قوانین و مقررات الزامی وقتی که میان قومی برقرار باشد مردم نسبت به یکدیگر حقوقی پیدا می‌کنند که باید رعایت نمایند.» (فروغی، ۱۳۱۵، ۷۲۰) البته علاقه، دانش و دغدغهٔ فروغی در امر ترجمه و واژه‌گزینی آن چنان بود که در سال‌های بعد نهاد «فرهنگستان زبان» را بنیاد می‌گذارد و خود او نیز همواره یکی از مؤثرترین اعضای این نهاد در ترجمه و معادل‌یابی واژگان حقوقی به شمار می‌آمد.

۲) تدوین قوانین و تاسیس نهادهای حقوقی

با تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی، فروغی به سرپرستی دبیرخانه مجلس برگزیده شد و در مقام معاون اداری و مالی مجلس نظام‌نامه داخلی مجلس را تدوین کرد و در دور دوم انتخابات مجلس شورای ملی و پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت به نمایندگی از مردم تهران به مجلس راه یافت و چندی بعد پس از استعفای مستشارالدوله ریاست مجلس را به عهده گرفت. فروغی در مجلس سوم هم به نمایندگی انتخاب شد؛ ولی با قبول مسئولیت وزارت عدلیه از نمایندگی استعفا داد. (طلوعی،۱۳۷۲، ۱۹–۱٦)

در اواخر مجلس دوم کمیسیون عدلیه اقداماتی جهت تهیه و تدوین اصول محاکمات جزایی انجام داد. کمیسیون در واقع مجموعه قوانینی را که به‌توسط مشیرالدوله و فروغی تهیه شده بود مورد بررسی قرار می‌داد، ولی به علت تعطیلی مجلس، کار کمیسیون به تعویق افتاد. بااین‌حال چون وزارت عدلیه نیاز به تهیه و تنظیم اصول محاکمات جزایی داشت، در سال ۱۲۹۰ کمیسیونی متشکل از شخصیت‌هایی چون محمدعلی فروغی، حاج سید نصرالله تقوی و میرزا رضا نائینی تشکیل شد. این کمیسیون با جلب نظر موسیو پرنی مشاور فرانسوی وزارت عدلیه لایحه را مورد بررسی قرار دادند. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سند شماره: ۲۹۳-٤٤٨٦) فروغی درباره سیر تدوین اولین قوانین حقوقی در مجلس می‌گوید: «اول قانونی که از کمیسیون گذشت «قانون تشکیلات عدلیه» بود که بر طبق آن عدلیه ایران دارای محاکم صلح و محاکم استیناف و دیوان تمیز و متفرعات آنها گردید و دوم قانونی که گذشت «قانون اصول محاکمات حقوقی» بود که تهیهٔ آن را مرحوم مشیرالدوله دیده و زحمت گذراندنش را از کمیسیون کشیده بود، اما هنوز رسمیت نیافته بود تا اول سال ۱۳۳۰ قمری (اواخر ۱۲۹۰ خورشیدی) یعنی ۲۵ سال پیش، نوبت اولی که من وزیر عدلیه شدم آن قانون را به رسمیت رسانیدم و حکم به اجرای آن دادم. من در وزارت عدلیه مدتی نماندم؛ ولی چیزی نگذشت که چون بر طبق همان قانون تشکیلات [عدلیه] می‌خواستند «دیوان تمیز» را تأسیس کنند تکلیف ریاست آن را به من کردند و پذیرفتم و همان قانون اصول محاکمات حقوقی را به‌وسیله دیوان تمیز به جریان انداختم. آن‌گاه با مرحوم مشیرالدوله و آقای حاجی سید نصرالله تقوی و دو سه نفر دیگر کمیسیونی تشکیل داده به تهیه و تنظیم «قانون اصول محاکمات جزایی» پرداختیم...» (فروغی،۱۳۱۵، ۷۳۱)

بنا به توصیه موسیو پرنی که تحت‌تأثیر دانش و عدالت‌خواهی فروغی قرار گرفته بود. محمدعلی فروغی دوبار در دولت‌های مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله به وزارت عدلیه منصوب شد. (واردی، ۱۳۹٤، ۷۰) او در دوره وزارت خود کوشید تا قانون اصول محاکمات حقوقی را نیز اجرا کند. فروغی که اولین رئیس دیوان تمییز (دیوان عالی کشور) بود در دورانی که ریاست دیوان تمییز را بر عهده داشت، سعی در رعایت ضوابط قانونی و بسط حکومت قانون داشت و با تشکیل کارگروهی متشکل از قضات مجرب و متبحر مثل سید نصرالله تقوی، صدرالاشراف و فاطمی قمی مبادرت به تدوین قوانین لازم برای نظام حقوقی ایران کرد. (فروغی، ۱۳۹٦، ۲۹) بنابراین او در مقام نمایندگی مجلس و وزارت عدلیه و ریاست دیوان همواره دغدغه تدوین و تصویب قانون و تأسیس نهادهای حقوقی و قضایی جدید داشت. به تعبیر یک از پژوهشگران تاریخ حقوق فروغی در زمره «قانون‌گذاران بزرگ» بود، خرد و میانه‌روی‌اش و شناختی که از مردم و جامعه ایران یافته بود، راهنما و راهبر او در وضع قوانین گشت و با تأسیس مجلس در ایران، وارد دستگاه قانون‌گذاری شده و پس از سال‌ها ممارست و کامل در این کار، خبره و زبردست شده بود. (سلطانی، ۱٤۰۱، ۱۳۹)

همچنین در سال ۱۲۹۲ش یکی از اقدامات فروغی تلاش جهت تأسیس مدرسه عالی حقوق بود که بدین منظور کمیسیونی با حضور خودش و مشیرالدوله، ارفع الدوله (وزیر عدلیه)، موسیو پرنی، حکیم الملک (وزیر علوم)، و... تشکیل داد. (تفرشی، ۱۳۷۰، ۵۵) و طرح تأسیس این مدرسه را به تصویب رساند که به دلیل مشکلات ناشی از جنگ جهانی اول تأسیس آن تا ۱۲۹۸ به تعویق افتاد. ولی پس از مسیو پرنی که ریاست آن را به عهده گرفت و علاوه بر استادان فرانسوی خودش به‌اتفاق منصورالسلطنه عدل، حاج سید نصرالله تقوی، شیخ محمد سنگلجی، شیخ محمدحسین استرآبادی هم به تدریس در این اولین مدرسه عالی حقوق کشور مشغول شدند. (عاقلی، ۱۳۷۷، ۳۵٦)

۳) تدوین و تصویب قانون مدنی

اغلب مطالعاتی که درباره محمدعلی فروغی انجام شده است، فعالیت‌های حقوقی او را منحصر به نگارش کتاب «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول» کرده است که در زمینه حقوق عمومی است و کمتر می‌توان وجوه علمی و اجرایی او در حقوق خصوصی را در آنها بازیافت. (ویژه، ۱۳۸۸، سلطانی،۱۳۸۸، مقیمی زنجانی،۱۳۹۸) حال آن که فارغ از کوشش‌های دامنه‌دار فروغی در مجلس و دولت و دیوان عالی کشور جهت تأسیس محاکم حقوقی و تصویب قوانین حقوقی نظیر اصول محاکمات حقوقی (آیین دادرسی مدنی) نقش ممتاز وی در تهیه و تصویب قانون مدنی نیز مغفول مانده است.

فارغ از تمهیداتی که از سال ۱۲۹۱ به توصیه وزیر عدلیه وقت میرزا عیسی خان علی‌آبادی توسط سید محمد فاطمی قمی در تهیه پیش‌نویس قانون مدنی انجام شده بود (جعفری ندوشن، ۱۳۹۹، ۳۷۷) در این میان محمدعلی فروغی می‌گوید که مدتی پس از به جریان انداختن موقتی قانون «اصول محاکمات جزایی» از بیم روحانیون معترض، نوشتن قانون مدنی را مخفیانه با نصرالله تقوی (اخوی) و سید محمد فاطمی شروع کرده‌ایم. . (فروغی، ۱۳۱۵، ۷۳۲) تاریخ تصویب موقتی آن قانون اصول محاکمات جزایی ۳۰/ ۱۲۹۱/۰۵ خورشیدی است. پس این گزاره دست‌کم نشان می‌دهد که فروغی با فاطمی و تقوی از سال ۱۲۹۱ در تدوین قانون مدنی با هم هماهنگی داشتند. هرچند جنگ جهانی اول و وضع آشفته کشور در آن دهه آخر عمر حکومت قاجار و بیم مخالفت‌های روحانیون، عملاً بررسی پیشنهادیه قانون مدنی را تا ۱۲۹۸ که دستور تشکیل کمیسیونی برای تدوین قانون مدنی صادر می‌شود به تعویق می‌اندازد؛ لذا نخستین اقدام در ۲۸ سنبله ۱۲۹۸ است که قانون مرور زمان تهیه و کمیسیون تدوین قانون مدنی شکل می‌گیرد؛ ولی پس از مدتی بی آن که به کار بررسی و تدوین قانون مشغول گردد، منحل می‌شود: «در ۲۸ سنبله ۱۲۹۸ دستخطی راجع به کمیسیون صادر شد. در این کمیسیون ابتدا قانون مرورمان را من تهیه کردم و بعد شروع به قانون مدنی کردیم و به جایی نرسید و کمیسیون منحل شد و بعد هم چندین کمیسیون در وزارت عدلیه چنانچه سابق نوشت شد، منعقد و منحل شد «(فاطمی قمی، ۱۰۵،۱۳۸۹) سپس ٤ اردیبهشت ۱۳۰۵ (روز تاج‌گذاری رضاشاه) به خواست محمدعلی فروغی از کار فاطمی در تدوین و نگارش ۱٤۰۰ ماده‌قانون مدنی با اعطای یک قبضه عصای سَرْ مُرصَّع تقدیر می‌شود و پس از آن در دهم دی‌ماه ۱۳۰٦ هیئت تدوین قانون مدنی شروع به کارکرده و بالاخره ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ جلد اول قانون مدنی مشتمل بر ۹۵۵ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید و سرانجام از ٦ بهمن ۱۳۱۳ تا ۸ آبان ۱۳۱٤ جلد دوم و سوم قانون مدنی مشتمل بر ٤۰۰ ماده در حقوق اشخاص و ادله اثبات دعوا تصویب رسید و قانون مدنی با ۱۳۵۵ ماده کامل می‌گردد. (جعفری ندوشن، ۱۳۹۹، ۳۸۰-۳۷٦) جلد دوم و سوم قانون مدنی که طی لوایح متعددی مواد ۹۵٦ تا ۱۳۳۵ این قانون را در بر می گرفت، توسط محمدعلی فروغی بعنوان نخست وزیر و محسن صدالاشراف بعنوان وزیر وزیر عدلیه در ادوار نهم و دهم تقدیم مجلس شورای ملی گردید. (نائینی، ۱۳۷۸، ٥٦٥) در همهٔ این موارد کمیسیون ها مرکب از فقها و حقوقدانان کارآشنای قضایی نظیر سیدمحمدفاطمی قمی، سید نصرالله تقوی (اخوی)، سید محمّد یزدی، محسن صدر، سید محمدکاظم عصار، محمدرضا ایروانی، احمد متین دفتری، جواد عامری، محمد بروجردی، اسدالله ممقانی، سید مصطفی عدل (منصورالسلطنه) و سید محمدرضا افجه‌ای بود.(بهرامی احمدی، ۱۳۸۱، ۱۸) لذا با وجود آن که نام محمدعلی فروغی

در میان این نام‌ها نیست، اما دلایل و مستنداتی مبنی بر نقش مؤثر وی در سیر تدوین و تصویب جلد اول قانون مدنی وجود دارد، که ذیلاً بررسی می‌کنیم

۳- ۱) نقش فروغی در تنقیح و ویرایش متن قانون مدنی

شیوه نگارش قانون مدنی چنان سلیس و روان است که به تعبیر اساتید حقوق مدنی می تواند الگو برای قوانین دیگر باشد. این قانون با عبارات نسبتا کوتاه و به لحاظ ادبی فاخر و متقن و در بیشتر موارد روشن و بدون ابهام که با عمری بالغ بر ۹۰ سال با فارسی امروز چندان تفاوتی ندارد.(صفایی؛ ۱٤۰۱، ۱۳۳) از این رو به نظر می رسد؛ اثر قلم منقح ادیب توانمندی چون محمدعلی فروغی را در مقام ویرایشگر نیز بتوان دنبال کرد.

در دفترچهٔ خاطرات فاطمی در خصوص روز دعوت به کمیسیون تدوین قانونی مدنی در سال ۱۳۰٦ مطلبی آمده که قابل‌تأمل است: «برای مطالعه در قانون مدنی دعوت شدم و این قانون مدنی همان است که سابقاً من ترتیب داده بودم و فی‌الجمله تغییر پیدا کرد.» (فاطمی قمی، ۱۳۸۹، ۷۷) استنباط منطقی از این جملهٔ کوتاه می‌تواند این باشد که در آن روز متنی به اعضای کمیسیون ارائه شده است و فاطمی آن متن را برگرفته از همان متنی می‌داند که خود سابقاً تهیه کرده بوده است؛ ولی او از تغییرات کم و بیشی که در آن انجام شده بود نیز خبر می‌دهد. وقتی در نظر بیاوریم که او طبق اظهار خودش و بنا به تصدیق دیگران از جمله خود فروغی در این راه بسیار کوشیده و گفتیم که دست‌کم از ١٦ سال قبل از تشکیل این کمیسیون یعنی از ۱۲۹۰ خورشیدی در کار تدوین و نگارش قانون مدنی بوده است و در این زمینه شاید بی‌تردید بتوان گفت در کار تدوین و نگارش قانون مدنی، هیچ‌کسی با او قابل‌مقایسه نیست، به‌نحوی که هر صاحب‌منصبی که هر اقدامی در حوزهٔ قانون مدنی داشته، ناگزیر از مراجعه به او یا به همکاری طلبیدن او بوده است؛ بنابراین بدیهی است، تغییرات قانون مدنی که گویا در غیاب او صورت‌گرفته است، خواسته با عبارت«فی‌الجمله» این تغییرات را کلی و غیرجزئی و احیاناً شکلی قلمداد کند. به نظر می‌رسد تغییرات موردنظر او بیشتر جنبه ویرایشی داشته که متن فقهی و احیاناً قدری معرب وی را به فارسی روان‌تری بدل کرده است که پس از گذشت یک قرن همچنان قابل‌فهم است. چون متن روان و بادوام قانون مدنی که عمدتا مآخوذ از فقه امامیه است.(دادمرزی، ۱۳۹۸، ۱۸۷)نمی‌تواند از قلم فقیه حوزوی چون فاطمی قمی حاصل شده باشد، کما این که در دیگر آثار بجا مانده از او از جمله در کتاب خاطراتش نیز نشانه نثر متجانس یا قانون مدنی دیده نمی‌شود. اما در میان رجال پیگیر و همکاری‌کننده در تدوین و تصویب قانون مدنی، بی شک محمدعلی فروغی به بهره‌مندی از این قابلیت ادبی شناخته می‌شود. نثر فروغی نثری شیوا، رسا، مدرن با جملاتی کوتاه و ساده است. نثری که هم می‌توان فاخرترین نوشته‌های ادبی و فلسفی را در قالب آن به نگارش درآورد و هم دشوارترین متن‌های فلسفی را به کمک فرم نگارشی آن به زبان شیوا و رسای فارسی ترجمه کرد. نثر فروغی، نثری است صیقل‌خورده و موزون ولی نه شاعرانه، با جملاتی کوتاه و مقطع اما دارای پیوستگی مفهومی، نثری که نگارش را در خدمت انتقال معنا و مفهوم به خواننده قرار داده، بی‌آنکه انضباط نگارشی، تکلفی مصنوعی را به خواننده تحمیل کند. (خیمه‌دوز، ۱۳۸۹،٦) خود فروغی نیز درباره این توانایی قلمی خود می‌نویسد: «آگاهی و اقتباس از افکار و لطایف گفتار خارجیان مستلزم آن نیست که شیوه بیان و زبان خود را از دست بدهیم و پسندیده‌تر آن است که فکر اروپایی را به

زبان و بیان اختصاصی ایرانی درآوریم. اینجانب چه در نگارش و چه در ترجمه همه‌وقت کوشیده‌ام که این نتیجه را حاصل کنم؛ اما اینکه کامیاب شده یا نشده‌ام حکمش با خوانندگان است... درهرحال اگر اینجانب موفق شده باشم که مطالب را ساده و روان بیان کنم، امیدوارم خوانندگان ازاین‌جهت مغرور نشوند و سرسری نخوانند. روان بودن لفظ، نشانه آسان بودن معنی نیست» (فروغی، ۱۳۸٤؛ ۵۹) این ویژگی آسانی متن و دشواری معنی در متن قانون مدنی نیز مشهود است که باوجود سادگی متن، در فهم آن تاکنون بالغ بر ده‌ها تفسیر مفصل نوشته شده و همچنان هم حقوق‌دانان در حال مفهوم‌پردازی از آن هستند. به تعبیر برخی اساتید فهم قانون مدنی همچون گلستان سعدی، سهل و ممتنع است. (مبارکیان ، ۱۳۷۷، ٤۹٤)

ازاین‌رو نقل‌قولی که از استاد جلال‌الدین همایی درباره نقش محمدعلی فروغی در بازنویسی و ویرایش متن قانون مدنی شده است را می‌توان حمل بر صحت کرد: «... قانون مدنی طفل نابالغ فقه است که پس از ترجمه شدن از فقه، ترجمه را به نظر مرحوم محمدعلی فروغی ذکاءالملک رساندند و آن مرحوم در نثر آن اصلاحاتی به عمل آورد و به صورتی که تصویب شده در آمد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۵٦)

در این میان یکی از قدیمی‌ترین مستنداتی که می‌تواند روند تاریخی شکل‌گیری قوانین شکلی و محتوایی و از جمله قانون مدنی و موانع و مشکلات تصویب آن برای پژوهشگر تاریخ حقوق روشن کند، سخنرانی محمدعلی فروغی در آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۵ در جمع دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران است که در دی‌ماه همان سال در شماره دهم مجلهٔ تعلیم‌وتربیت منتشر شده است. فروغی در این سخنرانی با بیانی روایی ابتدا از تأسیس «مدرسهٔ علوم سیاسی» که هستهٔ اولیه دانشکده حقوق دانشگاه تهران است، سخن می‌گوید و روند بنیان‌نهادن دادگستری نوین را پس مشروطه بیان می‌کند و به تاریخ تدوین و تصویب سه قانون شکلی و پس از آن دو قانون اصلی محتوایی یعنی قانون مجازات و قانون مدنی می‌پردازد. او آن گاه که می‌خواهد به چگونگی تدوین قانون مدنی بپردازد می‌گوید: «اگر می‌خواستیم نغمهٔ قانون مجازات و قانون مدنی را بلند کنیم هنگامه برپا می‌شد که در مقابل قانون شرع قانون وضع می‌کنند. هرچند در جواب این اعتراضات حرف حسابی داشتیم و می‌گفتیم در امور جزایی سال‌ها بلکه قرن‌هاست که قانون شرع در جریان نیست، و... اما در امور حقوقی مخالفتی با قانون شرع نیست فقط لازم است که آن قانون ماده‌بندی شود و به‌صورت قوانین امروزی تنظیم و تدوین گردد و به فارسی درآید تا مردم تکلیف خود را بدانند و بفهمند و قانون مجری شود. اما این حرف‌ها در مقابل مردم مغرض و بی‌انصاف مؤثر نبود و ما را از مخمصه محفوظ نمی‌داشت. این بود که این قسمت را محرمانه شروع کردیم و به‌اتفاق آقای تقوی و آقای فاطمی مشغول شدیم، درحالی‌که اطمینان نداشتیم که زحمتی که می‌کشیم هیچ‌وقت به ثمر برسد و به‌موقع عمل بیاید، و...» (فروغی، ۱۳۱۵، ۷۳۲)

در واقع فروغی در اینجا به‌صراحت به نقش خود در تدوین قانون مدنی در کنار فاطمی قمی و تقوی که هر دو از قضات عالی‌رتبه دیوان تمییز بودند که او ریاست نخستین دوره آن را به عهده داشت پرده بر می‌دارد که به نظر می‌رسد متن تدوین شده نخستین توسط فاطمی قمی در طول سال‌هایی که فروغی وزیر عدلیه و رئیس دیوان تمییز بوده توسط وی و نصرالله تقوی که پس از وی ریاست دیوان را عهده‌دار بود مورد بازبینی و ویرایش ماهوی و شکلی قرار گرفته است.

۳- ۲) تلاش در الغای کاپیتولاسیون و تصویب قانون مدنی

شاید نخستین بار در سال ۱۸۲۸م در مواد ۷ و ۸معاهده تجاری که در روز تصویب معاهده ترکمانچای بین ایران و روسیه منعقد شد، ایران به نفع روسیه قضاوت کنسولی یا همان کاپیتولاسیون برقرار کرد. قضاوت کنسولی به زبان ساده یعنی واگذاری حق قضاوت و دادرسی اتباع خارجی به کنسول های آن کشور در کشورتحت کاپیتولاسیون که به تدریج براساس اصل دول کامله الودادبه کشورهای دیگر هم اعطا شد. رفع این تبعیض و تحقیر حقوقی که به بهانه عدم قوانین یا نارسایی آن در کشور اعمال گردیده بود، در سالهای پس از مشروطیت دغدغه بسیاری از رجال سیاسی بود. نخست در کنفرانس صلح پاریس۱۲۹۷ش و سپس در اردیبهشت۱۳۰٦ش در جشن دومین سال تاج گذاری رضاشاه زمینه الغای آن فراهم گردید. از آنجا که لغو عملی کاپیتولاسیون منوط به تصویب قوانین جدید از جمله قانون مدنی بود.(جوادی، ۱٤۰۱، ۵۰) کتاب اول قانون مدنی در سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ با قید فوریت بدون اینکه نمایندگان مجلس حتی فرصت مطالعه متن آن قانون را داشته باشند، تصویب شد. عنوان قانون «قانون اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» بود.(نائینی، ۱۳۸۸ب ، ۳۸۸)این تعجیل در تصویب را گویا فرمانی الزام‌آور کرده بود که بر مبنای آن نمایندگان می‌بایست موانع موجود بر سر راه الغای کاپیتولاسیون را حداکثر تا ۲۰ اردیبهشت مرتفع کنند. پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت هم به مناسبت الغای کاپیتولاسیون جشن ملی اعلام و جراید و اصناف تعطیل بودند. دربارهٔ ارتباط بین تدوین قانون و الغای کاپیتولاسیون به بازخوانی سندی می‌پردازیم که در آن بر ضرورت تدوین قانون برای لغو کاپیتولاسیون تصریح شده است. نامه‌ای به قلم فروغی که در ۱۳۰۵ نگاشته شده است. او در این نامه در مورد اتهاماتی که مصدق به او وارد کرده از شدت تألم روحی ناگفتنی‌های جالبی را نوشته است. مصدق در شهریور ۱۳۰۵ در مخالفت با حضور فروغی به‌عنوان وزیر جنگ در کابینهٔ مستوفی‌الممالک نطق آتشینی در مجلس دارد که در آن فروغی را به خیانت به وطن متهم کرده است. یکی از دو اتهام فروغی نوشتن نامه به سفارت روس و پذیرش اعادهٔ کاپیتولاسیون نسبت به اتباع روسیه است. این نطق در جراید منتشر می‌شود و فروغی که در این هنگام در مسافرت اروپا بوده، جراید ایران به دستش رسیده و این نامهٔ بدون تاریخ را احتمالاً در همان ایام نوشته است. در مورد این سند ایرج افشار توضیحی نوشته که بسیار حائز اهمیت است: «این نوشته را خانم حوریه سعیدی لای کتابی در کتابخانهٔ ملی یافت (مخزن نسخ خطی شمارهٔ ۷۳٤) و استخراج آن را در مجلهٔ گنجینهٔ اسناد شمارهٔ ٦۱ (بهار ۱۳۸۵) همراه با عکس صفحه‌ای از آن منتشر ساخت و از آن جا نقل می‌شود. هیچ مشخص نیست که آن را به کی نوشته بوده باشد و چه‌بسا مخاطبش خیالی باشد بدین معنی که نامه هرگز به کسی ایصال نشده و آن را برای آرامش خاطر خستهٔ خویش به تحریر درآورده بوده است...» (فروغی،۱۳۸۹، ۲۸۸) فروغی در این مرقومه اتهامات وارده را به کل تکذیب کرده و در دفاع از خود مطالبی نوشته که از دو جهت حائز اهمیت است. او در این متن هم رابطهٔ بین تدوین قوانین و الغای کاپیتولاسیون را تبیین می‌کند و همچون در معرض اتهام ناگوار خیانت به کشور قرار گرفته بوده به خلاف عادت همیشگی‌اش تعارف و تواضع را کنار گذاشته و به صورتی کاملاً استثنایی به‌صراحت از نقش خود در تدوین قوانین سخن گفته است: «... نه‌تنها من کتباً و شفاهاً اعادهٔ کاپیتولاسیون را نسبت به روس‌ها قبول نکرده‌ام، نه وعده داده‌ام، بلکه در عالم حقیقت‌گویی اطمینان می‌دهم که اولیای دولت سویت [=شوروی] ، در مدتی که من دخیل در امور بوده‌ام، هیچ‌وقت چنین تقاضایی نکرده‌اند؛ بلکه هرگاه بین ما و آنها در این باب گفتگویی به میان آمده عنوان

آنها این بوده است که چون کاپیتولاسیون نسبت به ما لغو شده میل داریم و شما باید سعی کنید نسبت به دیگران هم ملغا شود و از جمله مسائلی که من در آن کار کرده‌ام، همین الغای کاپیتولاسیون است. چنانچه در موقع امضای عهدنامهٔ اخیر با دولت ترکیه و تهیهٔ عهدنامه با لهستان این فقره را تصریح کرده‌ام و نسبت به سایر دول هم با مقامات رسمی و غیررسمی آنها مذاکرات کرده‌ام و علناً می‌گویم که آنها هم اصراری به ابقای کاپیتولاسیون ندارند ولیکن منتظرند که جریان امور عدلیهٔ ما اطمینان‌بخش شود، و یکی از وسایل حصول این مقصود، اصلاح و تکمیل قوانین است و من با آنکه رسم ندارم خودنمایی کنم، اینک به‌ناچار می‌گویم که در ترتیب اکثر قوانینی که تاکنون برای عدلیه تهیه شده، چه آنها که رسمیت یافته و چه نیافته، شرکت و مدخلیت تامه داشته‌ام و اگر عیب و نقصی در آنها باشد، از آن است که قوانین بشری از عیب‌ونقص ناگزیر است؛ خاصه برای مردمی که به کار تازه شروع می‌کنند. معذالک همین قوانین موجوده را اگر حسن جریان بدهند و محاکم عدلیه را محترم بدارند، دارای مقامی خواهد شد که دولت ایران بتواند کاپیتولاسیون را الغا کند و به دول خارجه هم بقبولاند...» (فروغی، محمدعلی،۱۳۸۹، ۲۹۱)

همین‌جا باید یادآور شد که تاریخ نگارش این سخنان حدود یک سال و نیم قبل از تصویب قانون مدنی است و فروغی به‌صراحت می‌گوید چه در قوانینی که تا کنون رسمیت یافته و چه آنها که نیافته شرکت داشته و اینکه فرد متواضعی مثل فروغی از تعبیر «مدخلیت تامه» در مورد کار خود استفاده کرده، بسیار در خور توجه است. این مدخلیت تامه شمول وسیعی را در بر می‌گیرد. از نگارش و انشای متن تا اصلاح و طبقه‌بندی و مدیریت سیاسی در مرحلهٔ تصویب تا رفع موانع به‌موقع اجرا گذاشتن آن قانون را در بر می‌گیرد و آنها که با نوشتار و گفتار فروغی آشنایی دارند، می‌دانند که اگر چه در اینجا نیاز به رفع اتهام، او را به کنارگذاشتن تعارف واداشته است؛ ولی این لحنِ قاطع، به اغراق آلوده نیست.

۳-۳) تدارک فروغی در تقدیر شاهانه از تدوین قانون مدنی

اگر از تاریخ تشکیل کمیسیون تدوین قانون مدنی یک سال و نه ماه و چند روز دیگر به قبل برگردیم، به رویداد مهمی در سیر تدوین قانون مدنی برمی‌خوریم. چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ روز جشن تاج‌گذاری رضاشاه است. پیشتر در ۹ آبان ۱۳۰٤ مجلس پنجم شورای ملی سلسلهٔ قاجار را از سلطنت خلع و در آذر همان سال مجلس مؤسسان امر سلطنت مشروطه را به خاندان پهلوی تفویض کرده بود. بنابراین جشن تاج‌گذاری سه چهار ماه پس از این رویدادها برگزار شد و طبیعتاً برنامه‌های این جشن از ماه‌ها قبل تدارک و طراحی شده بود. یکی از کسانی که به پیشنهاد فروغی مقرر شد که در این روز مورد تشویق و تمجید قرار بگیرد، سید محمد فاطمی قمی بود. او بابت تهیه و انشای قانون مدنی مورد توجه ملوکانه قرار گرفت. عین متن پیشنهاد فروغی به رضاشاه به خط فاطمی در دفترچهٔ خاطرات او آورده شده است که این متن نیز از نقش فروغی در تدوین و انشای قانون حکایت می‌کند: «از آنجا که استحکام مبانی قضا و بسط تأمینات قضایی، همواره مورد توجّهات مخصوص اعلی‌حضرت بوده ... و نظر به اینکه پیشرفت این مرام، مربوط به تشویق و تربیت اشخاص فاضل و دانشمند و کسانی است که می توانند از عهدهٔ این امر مهم برآیند، مناسب آمد، خاطر مهرمظاهر ملوکانه را به سوابق زحمات گران‌بهایی که جناب مستطاب عمدةالفضلاء و الفقها آقا میرزا سید محمّد قمی در این راه متحمّل شده و خدمتی که به دیوان قوانین مملکت کرده و می‌کنند، متذکّر سازد و معزّی الیه مجموعه ای مشتمل بر ۱٤۰۰ مادّه

باکمک چاکر راجع به قوانین مدنی ترتیب داده‌اند که الحق، سزاوار تحسین و تقدیر ذات اقدس شهریاری است و مجموعه معروض، متضمّن ابوابی درباب معاملات و املاک وقف و نکاح و طلاق می‌باشد؛ متمّم آن هم در دست مطالعه است و امید می‌رود که به‌زودی حاضر و تقدیم مجلس شورای ملّی کردد. تهیه و تدوین قانون مدنی از جمله کارهای مشکلی است که در ممالک اروپا سالها وقت و زحمت دانشمندان معروف را صرف خود نموده، در اینجا هم اگرچه احکام شرع انور و تحقیقات فقها و علما، اساس آن را محکم و حتّی جزئیات را روشن کرده است، لیکن تفرّس وتتبّع در گفته‌های سابقین و تنظیم و تدوین آنها هم امر بسیار صعب و مشکلی بوده که آقای آقامیرزا سید محمّد، به خوبی از عهده برآمده‌اند و جای آن دارد که از طرفِ قرین شرفِ ملوکانه، در این موقع جشن تاجگذاری، برای تقدیر زحمات ایشان و تشویق اهل فضل و هنر، یک عصای سر مرصّع مرحمت و اعطا گردد. این است که جسارتاً فرمان را برای توشیح مبارک تقدیم سریر عظما می نماید.» (فاطمی قمی، ۱۳۸۹، ۱۰۰)

پس از این درخواست فرمانی صادر و سید محمدفاطمی قمی به دریافت یک قبضه سرْعصای مرصع نائل می‌شود. عین متن فرمان چنین است: «نظر به پاس خدمت و تشویق اهل دانش و فضل و نظر به خدمات گرانبهایی که جناب مستطاب عمده الفضلا و الفقها میرزا سید محمد قمی عضو دیوان عالی تمیز در تهیه و انشاء قانون مدنی که ارادهٔ ما به تدارک آن علاقه گرفته بود به دولت شاهنشاهی نموده‌اند بر حسب پیشنهاد جناب اشرف میرزا محمدعلی خان فروغی رئیس‌الوزرا، مشارالیه را به اعطای یک قبضه سرعصای مرصع قرین اعزاز می‌فرماییم. چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵»(همان)

این اسناد حاکی از نقش ممتاز فروغی در ترغیب هیات حاکمه به تدوین قانون مدنی است و اهمیت این کاربزرگ را با این ترتیب تشویق عیان می کند. دقت در عبارات او نشان می دهد که او به چگونگی تدوین قانون مدنی آگاه بوده وموانع تصویب و اجرای آن به خوبی می شناخته است و لذا نمی تواند از تدوین و تصویب آن برکنار بوده باشد. نکته‌ای که از مرور این اسناد روشن می‌شود آن است که تنها مرجع استناد ما به متن درخواست فروغی از رضاشاه برای تقدیر از فاطمی، دفتر خاطرات خود فاطمی است. بنابراین خودبه‌خود این پرسش پیش می‌آید که فاطمی از چه طریقی به متن این درخواست دست پیدا کرده و آن را به خط خود در دفتر خاطراتش تقریر کرده است؟ و جالب توجه است که در خاتمه متن عبارتِ «سواد مطابق با اصل است» نیز به چشم‌می‌خورد. و اصلا بعید نیست که فروغی خود این متن را که برای او می‌توانسته مایهٔ ابتهاج و مباهات باشد، در اختیار او قرار داده است.

در آن متن فروغی ضمن تجلیل از فاطمی با عبارت «به کمک چاکر» به نقش خود نیز در زمینهٔ نگارش قانون مدنی اشاره‌ای بسیار اجمالی داشته است. فرض کنیم که فروغی در نگارش این ۱٤۰۰ ماده مذکور نقشی نداشته است. آیا در آن صورت می‌توانسته چنین بی‌پروا از نقش نداشتهٔ خود سخن بگوید، در حالی که به هر طریق این متن در اختیار فاطمی قرار گرفته است؟ آیا اگر چنین بود فاطمی این سخنان را با چنین دقتِ همراه با رضایت خاطر و بدون هیچگونه گله و تعریض در دفترچهٔ خاطراتش ثبت می‌کرد؟ تحقق این حالات مفروض در زمرهٔ محالات است. تعداد مواد قانونی که مندرج در نامهٔ فروغی ۱٤۰۰ ماده بوده که موضوع این مواد همان مواردی است که بعدتر در ۹۵۵ ماده کتاب اول قانون مدنی آمده است.

نکتهٔ دیگر اینکه در نامه درخواست فروغی از رضاشاه با ادب و متانت و ایجازی درخشان که ویژگی قلم فروغی است به گونه‌ای که غرور شاهِ تازه بر مسند شاهی نشسته، مخدوش نشود ابتدا تشریح کرده که قانون مدنی چیست؟ چه اهمیتی دارد؟ منابع آن کجاست؟ در سایر ممالک تدوین آن چگونه بوده و سختی‌های این کار در اینجا از چه جهت بوده است؟

در متن فرمان که بعید نیست آن هم به قلم خود فروغی باشد از زبان رضا شاه گفته شده: «...ارادهٔ ما به تدارک آن علاقه گرفته بوده... » و با توجه به آن تشریح و توضیح واضحاتی که فروغی در متن درخواست ناگزیر از بیان آن بوده نشان می‌دهد که این کلمات و تعابیر را نباید جز به عرف تشریفات مرسوم و ادبیات خاص ملوکانه تفسیر کرد. و اگرچه رضاشاه عملاً دو سال قبل از به سلطنت رسیدن هم حاکم بلامنازع بوده ولی دغدغه‌مندی در مورد قانون مدنی به نحوی که اراده‌اش به علاقهٔ آن تعلق بگیرد چندان با دغدغه‌های رضاشاهی هم‌خوانی ندارد و به نظر نمی‌رسد این جمله جز بر سبیل تعارف نبوده است.

اساساً باید معترف بود که دستاوردهای تحول‌خواهانهٔ نسل نخبه و سربلند مشروطه، بسیار پیشتر از آنکه رضا شاه در ۱۳۰۲ به رییس‌الوزرایی برسد و یا حتی پیشتر از آنکه او در ۱۲۹۹ در کابینهٔ سیدضیاءالدین طباطبایی وزیر جنگ بشود، آغاز شده بوده و اگرچه بسیاری از آن کوشش‌ها در دوران رضاشاهی به بار نشست، اما بذر آن در دهه‌های قبل در خاک مشروطه کاشته و طی دو سه دهه آبیاری شده بود و در مواردی هم قبل از سلطنت رضاشاه بارور شده بود. به‌عنوان مثال می‌توان از رسمیت یافتن تقویم هجری خورشیدی نام برد؛ ولی نتایج این کوشش‌ها عمدتاً در سالهای آغازین سلطنت رضاشاه رخ نمود.

نیز باید انصاف داد که با روی کار آمدن رضاشاه موانع اجرای آرمان‌های نسل مشروطه، یکی پس از دیگری به کنار رفت و اقتدار حکومت نوپای پهلوی به تحقق آن آرمان‌ها کمک کرد. عمدهٔ این توفیق‌ها نیز در سال‌های آغازین سلطنت او حاصل شد؛ زمانی که بیماری شاهانهٔ تفرعن در او هنوز رو به وخامت نگذاشته بود و بزرگانی از همان نسل سربلند و نخبه مشروطه بر مصادر امور اجرایی بودند و هنوز به خشم رضاشاهی دچار نشده بودند.

نتیجه گیری

فروغی که پیش از دورهٔ پهلوی یک‌بار نایب‌رئیس و یک‌بار رئیس مجلس شورای ملی بوده و همچنین چند دوره وزارت عدلیه، مالیه و خارجه در کارنامهٔ اجرایی‌اش دارد که اگر سه دورهٔ رئیس‌الوزرایی و یک دوره ریاست جامعهٔ ملل را در دوران پهلوی نیز به این مجموعه بیفزاییم، درک جامع‌تری از نقش ممتاز او در تأسیس نظام حقوقی جدید ایران خواهیم داشت. در ساحتی دیگر او شخصیتی است که پس از آنکه در آذر ۱۳۱٤ خلعت سیاست را تا شهریور ۱۳۲۰ از تن به درکرده بود، همواره در حال سامان‌دهی به آثار بی‌بدیل ادب کهن فارسی بوده است: منتخبی از شاهنامه فراهم ساخته، کلیات سعدی تصحیح کرده و از رباعیات خیام روایتی نوآئین و علمی ارائه کرده است. کسانی که با نثر درخشان و موجز و شیرین فروغی آشنا هستند، می‌دانند که آرایش کلمات در نثر او چگونه به روانی و زیبایی بار معنا را به دوش می‌کشند و جملات او چقدر شیوا از عهدهٔ مفاهیم چالش‌انگیز بر می‌آیند. چنین کسی قطعاً وسواسی بالا در معادل‌یابی کلمات، آهنگ آنها، رسانایی در محتوا و رعایت ایجاز و پرهیز از اطناب و تکرار دارد. اگرچه او در مدرسه مروی و سپهسالار علوم قدیمه از جمله فقه را به‌خوبی خوانده؛ ولی قطعاً به اندازهٔ فاطمی که فقیهی تراز اول است به ابواب

فقهی مرتبط با قانون مدنی تسلط ندارد؛ ولی اشراف او به ادبیات و وسواس و سابقهٔ او در واژه‌گزینی قطعاً در سطح بالاتری بوده است که مصروف نص معرب اولیه قانون مدنی کرده تا از آن متن روان و زنده کنونی قانون مدنی را به دست داده است.

فروغی در سخنرانی ۱۳۱۵ می‌گوید که مدتی پس از به جریان انداختن موقتی قانون «اصول محاکمات جزایی» از بیم روحانیون معترض، نوشتن قانون مدنی را مخفیانه با نصرالله تقوی (اخوی) و سید محمد فاطمی شروع کرده‌اند. تاریخ تصویب موقتی آن قانون ۳۰/ ۰۵/۱۲۹۱ خورشیدی بوده است. این گزاره دست‌کم نشان می‌دهد که فروغی حدوداً از چه زمانی و با چه کسانی در حال انجام این کار بوده است.

پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که فروغی علی‌رغم اینکه از شاکله و جوهرهٔ متن فاطمی راضی بوده و خود نیز از گذشته در تکوین آن نقش داشته و از همین رو به ظرایف علمی آن نیز آگاه است. برای آن که فرم و ادبیات آن را مورد اصلاح و بازنگری قرار دهد، نخست در ۱۳۰۵ آن را در معرض ستایشی شاهانه گذاشته و افتخار تاریخی انشای قانون مدنی را به نام فاطمی ثبت کرده و اهمیت آن را مسجل ساخته و سپس با وسواس ادبی و آینده‌نگری آن متن را پیش از تشکیل کمیسیون تدوین قانون مدنی ویراستاری و بازنویسی کرده و به دست کمیسیون سپرده تا آنها نیز با اعمال نظرات نهایی خود زمینه تصویب آن را فراهم کنند.

به‌غیراز مستندات تاریخی یادشده، مقایسهٔ شیوه و سبک نگارش خاص فروغی و فاطمی نیز از این نظریه پشتیبانی می‌کند. کافی است ابوابی از قانون مدنی را با صفحاتی از کتاب «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول» فروغی و متون به‌جامانده از فاطمی مقایسه کنیم؛ بنابراین فروغی علاوه بر نقشی که به‌طورکلی در تأسیس ادبیات حقوقی و تدوین قوانین پس از مشروطه داشت، در همان راستا کوشید تا از همان آغاز مسئولیتش در مجلس و عدلیه و در خفا و علن به تدوین قانون مدنی ایران مدد رساند و با تغییر نظام سیاسی قاجار زمینه لغو کاپیتولاسیون و تنقیح و تصویب قانون مدنی را فراهم کند.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited
پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه ویرایش‌نشده

منابع:

۱. بهرامی احمدی، حمید،(۱۳۸۱)،حقوق مدنی ۳، کلیات عقود و قراردادها، انتشارات میزان.
۲. بهرامی احمدی، حمید،(۱۳۸٦) تاریخچه تدوین قانون مدنی، همایش یکصدمین سال قانونگذاری«مجموعه مقالات»، معاونت پژوهشی مرکز پژوهشهای مجلس
۳. تفرشی، مجید (۱۳۷۰) ، مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران، گنجینه اسناد،شماره اول، سال اول،
٤. پهلوان، چنگیز(۱۳۸۳)، ریشه های تجدد، انتشارات سارنگ
۵. جعفری ندوشن،علی اکبر،(۱۳۹۹) بررسی نقش سید محمد فاطمی قمی در تدوین قانون مدنی،*مجله* تاریخ پزشکی ، دوره ۱۲ شماره ۱
٦. جعفری لنگرودی، محمدجعفر،(۱۳۸۱)مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم ، گنج دانش
۷. جوادی، مهدی(۱٤۰۰) قانون مدنی و زندگی، آثار و زمانه سیدمحمدفاطمی قمی، مجموعه مقالات یادنامه سیدمحمد فاطمی قمی،به کوشش سیدناصر سلطانی و رحیم پیلوار، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار.
۸. خندان، زهراسادات(۱٤۰۵) نقش فرنگ رفتگان در بنیانگذاری حقوق عمومی ایران، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی ، دوره ۳ ، شماره ۵ https://doi.org/10.22034/jrpl.2026.735845
۹. خیمه دوز، محسن، نثر فروغی(تیر ۱۳۸۹)، ابزاری استاندارد در شناخت مساله، روزنامه شرق، شماره ۱۰۱٦، ۲۹

۱۰. دادمرزی، سیدمهدی(۱۳۹۸)، تاثیر حقوق غربی در قیاس با فقه امامیه بر تدوین قانون مدنی ایران، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی،دوره ۲، ش ٤

۱۱. روزنامه اطلاعات– ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ مسلسل۱۲۵۷ https://doi.org/10.22034/law.2019.239618

۱۲. زندیه، حسن (۱۳۸۹) *خاطرات سید محمد فاطمی قمی ، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی*

۱۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سند شماره: ٤٤٨٦_۲۹۳

۱٤. سلطانی،ناصر(۱۳۸۸)، آغاز رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران(اولین درسنامه حقوق اساسی)، مجله پژوهش های حقوقی، ش۱۵

۱۵. سلطانی، ناصر، (۱٤۰۱)،نقش سید محمد فاطمی قمی در تدوین قانون مدنی ایران، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر،سال۱۳، ش۲۹

۱٦. صالحی، نصرالله، (۱٤۰۰)،نقش‌خاندان فروغی در نشرفرهنگ فرانسه درایرانِ معاصر تاریخنامه ایران بعد از اسلام ، دوره۱٦، ش ٤٤

۱۷. صفایی، سیدحسین، (۱٤۰۱)؛شاهکار قانون نویسی، مجموعه مقالات یادنامه سیدمحمد فاطمی قمی،به کوشش سیدناصر سلطانی و رحیم پیلوار، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار.

۱۸. طباطبایی،جواد(۱۳۸٦)، نظریه حکومت قانون در ایران، جلد دوم، انتشارات ستوده

۱۹. عاقلی، باقر(۱۳۷۷)؛مدرسه علوم سیاسی، مدرسه عالی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مجله تاریخ معاصرایران،سال دوم، ش۷

۲۰. عنایت، حمید (۱۳۹۸)اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات خوارزمی

۲۱. طلوعی،محمود(۱۳۷۲)، بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، جلد اول، نشر علمی

۲۲. فاطمی قمی، سیدمحمد (۱۳۷۷) فقه فارسی (به‌کوشش: ناصر دولت‌آبادی) تهران: آوای نور

۲۳. فاطمی قمی(۱۳۸۹)،سیدمحمد، خاطرات، به کوشش حسن زندیه، مجلس شورای اسلامی

۲٤. فروغی، محمدعلی (۱۳۸٤الف) مقالات فروغی ،جلد ۱، تهران، انتشارات توس

۲۵. فروغی، محمدعلی(۱۳۱۵)، تاریخچه حقوق، مجله تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره دهم

۲٦. فروغی، محمدعلی (۱۳۸۹) *سیاست‌نامهٔ ذکاءالملک(به اهتمام ایرج افشار– هرمز همایون‌پور)*، تهران: کتاب روشن

۲۷. فروغی، محمدعلی(۱۳۸٤ب)، سیر حکمت در اروپا، مقدمه جلد دوم،انتشارات زوار

۲۸. فروغی، محمدعلی(۱۳۹٦)، خاطرات محمدعلی فروغی،به کوشش محمد افشین وفایی و پژمان فیروزبخش, انتشارات سخن

۲۹. مقیمی زنجانی، شروین(۱۳۹۸)، تاملی در رساله حقوق اساسی محمدعلی فروغی از منظر بحث درباره کاربردی کردن علم سیاست در ایران،پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱٤،ش۳

۳۰. مبارکیان،عباس(۱۳۷۷)، چهره ها در تاریخچه نظام آموزش عالی حقوق و عدلیه نوین، نشر پیدایش.

۳۱. نائینی، احمدرضا(۱۳۸۷)، «بحثی پیرامون لایحه مربوط به قانون مدنی» پیام بهارستان، دوره دوم، سال اول، شماره ۱و۲

۳۲. نائینی، احمدرضا (۱۳۸۸الف) «نقش رضاشاه در تدوین قانون مدنی» پیام بهارستان دوره دوم سال اول شمارهٔ ۳

۳۳. نائینی، احمدرضا(۱۳۸۸ب)،«بررسی ارتباط قانون مدنی با لغو کاپیتولاسیون». نشریه پیام بهارستان ،سال اول شماره٤

۳٤. نائینی، احمدرضا(۱۳۸۸ج)،«نقش کمیسیونهای قانون مدنی در تنظیم مواد این قانون». نشریه پیام بهارستان ،سال اول، شماره۵

۳۵. واردی، احمد(۱۳۹٤)، زندگی و زمانه محمدعلی فروغی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات نامک

۳٦. ویژه، محمدرضا(۱۳۸۸)،تاملی بر رساله حقوق اساسی اثر محمدعلی فروغی، وکالت، شماره ۱۵

۳۷. یعقوبی، رضا(۱٤۰۲)،گذار از قدیم به جدید در حقوق، فصلنامه سیاست نامه، ش۲۵

References

1. Aqeli, Baqer (2008); School of Political Science, Higher School of Law, Faculty of Law and Political Science, Journal of Contemporary History of Iran, Year 2, No. 7.(in prsian)
2. Bahrami Ahmadi, Hamid (2002), Civil Law 3: General Principles of Contracts and Agreements, Mizan Publications.(in prsian)

3. Bahrami Ahmadi, Hamid (2007), A History of the Drafting of the Civil Code, in Proceedings of the Conference on the Centenary of Legislation, Research Center of the Islamic Consultative Assembly (Majlis). (in prsian)
4. Dadmarzi, Seyyed Mehdi (2019),), The Effect ofWestern Law in Comparison with Imamiah Jurisprudence on the Regulation of Iranian Civil Law , Journal of Research and Development in Comparative Law Quarterly, Vol. 2, No.4. https://doi.org/10.22034/law.2019.239618 (in prsian)
5. Documentation Organization and the National Library of Iran Document No.: 4486_293.(in prsian)
6. Enayat, Hamid (2019). Political Thought in Contemporary Islam, translated by Baha'eddin Khorramshahi, Kharazmi Publications. (in prsian)
7. Etelaat Newspaper - May 8, 1928, Serial 1257.(in prsian)
8. Fatemi Qomi (2009), Seyyed Mohammad, Memoirs, with the efforts of Hassan Zandiyeh, Islamic Consultative Assembly.(in prsian)
9. Fatemi Qomi, Seyyed Mohammad (1998), Persian Jurisprudence (with the efforts of Naser Dolatabadi), Tehran: Avay Noor.(in prsian)
10. Foroughi, Mohammad Ali (2005), Foroughi Articles, Volume 1, Tehran, Toos Publications.(in prsian)
11. Foroughi, Mohammad Ali (1996), History of Law, Education and Training Magazine, Year 6, Issue 10.(in prsian)
12. Foroughi, Mohammad Ali (2005), The Journey of Wisdom in Europe, Introduction to Volume 2, Zovar Publications.(in prsian)
13. Foroughi, Mohammad Ali (2017), Memoirs of Mohammad Ali Foroughi, with the efforts of Mohammad Afshin Vafaei and Pejman Firuzbakhsh, Sokhan Publications. (in prsian)
14. Foroughi, Mohammad Ali (2009), Political Policy of Zaka-ol-Molk (with the efforts of Iraj 11.Afshar-Hormoz Homayounpour), Tehran: Roshan Book. (in prsian)
15. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar, (2002) Detailed in Legal Terminology, Volume 4, Ganj Danesh. (in prsian)
16. Jafari Nadoushan, Ali Akbar, (2000) A Study of the Role of Seyyed Mohammad Fatemi 14.Qomi in the Compilation of Civil Law, Journal of Medical History, Volume 12, Number 1. (in prsian)
17. Javadi, Mehdi (2023). "Civil Law and Life: The Works and Times of Seyyed Mohammad Fatemi Qomi." In Commemorative Volume for Seyyed Mohammad Fatemi Qomi (Collection of Essays), edited by Seyyed Naser Soltani and Rahim Pelvar, 2nd ed. Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar. (in prsian)
18. Khandan, Zahra Sadat , (2026), The Role of Iranian Emigrants in Establishing Public Law in Iran: From Paris to Tehran, Journal of Research and Development in Public Law, Vol. 3, No. 5. https://doi.org/10.22034/jrpl.2026.735845 (in prsian)
19. Khimeh Douz, Mohsen, Foroughi Prose (July 2010), A Standard Tool for Understanding the Problem, Sharq Newspaper, Issue 1016, 29. (in prsian)
20. Moghaddam, Mohammad Reza (2010), A reflection on Mohammad Ali Foroughi's treatise on fundamental rights, Lawyering, Issue 15. (in prsian)
21. Moghimi Zanjani, Shervin (2019), A reflection on Mohammad Ali Foroughi's treatise on fundamental rights from the perspective of the discussion on the application of political science in Iran, Political Science Research Journal, Year 14, Issue 3. (in prsian)
22. Mobarakian, Abbas (1998), Figures in the History of the Higher Education System for Law and the Modern Judiciary, Peydayesh Publishing. (in prsian)
23. Naeini, Ahmadreza (2008), "A Discussion Regarding the Bill Pertaining to the Civil Code, Payam-e Baharestan, Second Series, Year 1, Nos. 1 & 2. (in prsian)
24. Naeini, Ahmad Reza (2010a), "The Role of Reza Shah in the Compilation of Civil Law," Payam Baharestan, Volume 2, First Year, Issue 3. (in prsian)
25. Naeini, Ahmadreza (2010b), "An Examination of the Relationship Between the Civil Code and the Abolition of Capitulations," Payam-e Baharestan Journal, Year 1, No. 4. (in prsian)
26. Naeini, Ahmadreza (2010c), "The Role of Civil Code Commissions in Drafting the Articles of the Civil Code," ,Payam-e Baharestan, Journal, No. 5. (in prsian)
27. Pahlevan, Changiz (2004), The Roots of Modernity, Sarang Publications. (in prsian)
28. Salehi, Nasrollah, (2000), The Role of the Foroughi Family in the Spread of French Culture in Contemporary Iran, History of Iran After Islam, Volume 16, No. 44.
29. Safaei, Seyyed Hossein (2023); "A Masterpiece of Legislation," in Festschrift for Seyyed Mohammad Fatemi Qomi, edited by Seyyed Naser Soltani and Rahim Pelvar, 2nd edition, Sherkat-e Sahami-ye Enteshar. (in prsian)
30. Soltani, Naser (2009), The Beginning of a Non-Historical Approach to Fundamental Rights in Iran (The First Fundamental Rights Textbook), Journal of Legal Studies, No. 15. (in prsian)
31. Soltani, Naser, (2010), The Role of Seyyed Mohammad Fatemi Qomi in the Compilation of Iranian Civil Law, Journal of Contemporary Comparative Law Studies, Year 13, No. 29. (in prsian)
32. Tabatabaei, Javad (2007), The Theory of the Rule of Law in Iran, Volume 2, Sotoudeh Publications. (in prsian)
33. Tafreshi, Majid (1991), Higher Schools of Law and Political Science in Iran from the Beginning to the Establishment of Tehran University, Ganjineh-e-Sanad, Issue 1, Year 1. (in prsian)
34. Toloei, Mahmoud (1993), Actors of the Pahlavi Era from Foroughi to Ferdoust, Volume 1, Scientific Publication(in prsian).

35. Vardi, Ahmad (2015), Life and Times of Mohammad Ali Foroughi, Translated by Abdolhossein Azarang, Namek Publications. (in prsian)
36. Yaghoubi, Reza (2013), Transition from Old to New in Law, Siastnameh Quarterly, Issue 25. (in prsian)
37. Zandiyeh, Hassan (2000) Memoirs of Seyyed Mohammad Fatemi Qomi, Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. (in prsian)

ویراستاری نشده | نسخه‌ی اولیه | در انتظار انتشار
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedi